

۶۱۳۳



شماره ترتیب چاپ: ۶۰۱
شماره چاپ سابقه: -
شماره دفتر ثبت: ۲۳۸

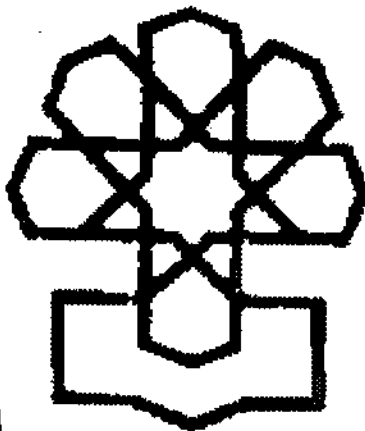


دوره ششم - سال اول
۱۳۷۹-۱۳۸۰
تاریخ چاپ ۱۳۸۰/۲/۳۱

گزارش کارشناسی درباره لایحه:

اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران

مرکز پژوهشی مجلس شورای اسلامی
کتابخانه واحد اسناد و اطلاع رسانی مجلس
شماره: ۱۴۱۹۱
تاریخ: ۸۰۵۵۸۷



اقتصادی و صنایع و معادن

کمیسیون‌های ارجاعی

کد موضوعی: ۲۰۰

شماره مسلسل: ۶۱۳۳

معاونت پژوهشی
تیر ۱۳۷۸۰

کار: دفتر بررسی‌های اقتصادی
دفتر بررسی‌های حقوقی

۱- بیان مقاصد لایحه

۱-۱- از آنجا که داوری‌های نهادی نسبت به داوری‌های موردی مزیت‌هایی دارد و در داوری‌های اخیر، داوری تحت نظارت و ضوابط اداری و اجرایی یک مرکز داوری صورت می‌گیرد و قواعد آن در بردارنده مجموعه مقررات مفصل درخصوص جریان داوری است و بدین‌سان داوری را سازماندهی می‌کند، هدف نخستین لایحه ایجاد یک نهاد داوری تجاری و هدایت داوری موضوع قانون داوری تجاری بین‌المللی (مصوب ۱۳۷۶/۶/۲۶) و داوری داخلی موضوع مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱) به سوی مرکز داوری اتاق ایران است.

۱-۲- پاسخگویی به نیازها و مقتضیات خاص تجارت داخلی و خارجی: از آنجا که در زمینه روابط حقوقی و اختلافات ناشی از قراردادها و تعهدات داخلی و خارجی گرایش قابل توجهی به رهایی از رسیدگی قضایی توسط دادگاه‌هایی دولتی وجود دارد و غالب دست‌اندرکاران امر تجارت داخلی و بین‌المللی، به دلیل کندی رسیدگی قضایی در دادگاه‌ها، تشریفات و پرهزینه بودن آن، تخصصی بودن دعاوی تجاری و تمایل طرفین به یک دادرسی خصوصی توسل به این مراجع را صرفاً به عنوان آخرین گزینه انتخاب می‌کنند و غالباً در جستجوی عدالتی بهتر و متفاوت از عدالت دادگاه‌ها هستند و به طور کلی خواهان اجرای عدالت با حفظ دوستی و ایجاد یک نهاد داوری صنفی در سطح ملی و فراملی اند. یکی از اهداف لایحه پاسخگویی به این نیاز اساسی از طریق تأسیس یک نهاد داوری است تا اختلافات تجاری با سرعتی متناسب با سرعت تجارت در عصر ما و توسط افراد متخصص و مورد اعتماد طرفین در زمینه رابطه بازرگانی مورد اختلاف و در جوی کاملاً آرام و خصوصی

و به دور از سر و صدای رسیدگی‌های قضایی حل و فصل گردد و بدین وسیله تداوم همکاری و اعتماد طرفین به هم، که لازمه تجارت است، حفظ شود.

۱-۳- برداشتن یکی از عوامل بنیادی انزوای تجاری و اقتصادی ایران در سطح بین‌المللی: از آن‌جا که یکی از علل مهم عدم رغبت شرکت‌ها و مؤسسات تجاری سایر کشورها به ایجاد روابط گسترده تجاری با ایران احساس عدم امنیت مالی به دلیل ضعف ساختار حقوقی کشور ما از دید آنان است و بعضاً بدبینی بعضی از قوانین و مقررات نسبت به طرف‌های خارجی قراردادها، صلاحیت انحصاری دادگاه‌ها و عدم وجود یک نهاد داوری در کشور، عاملی منفی در رونق تجاری و گسترش روابط اقتصادی ایران با سایر کشورها به حساب می‌آید و به جایگاه ایران در منطقه، به ویژه در میان کشورهای عضو اوکو و نیز جایگاه ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان نفت و گاز در جهان در میان کشورهای عضو اوپک، آسیب رسانده، فرایند توسعه صادرات غیرنفتی و سرمایه‌گذاری خارجی را کند کرده است. از این‌رو یکی از اهداف اصلی لایحه برداشتن این مانع مهم حقوقی است.

۲- ارزیابی مقاصد لایحه

۲-۱- درخصوص هدف نخستین لایحه که ایجاد یک نهاد داوری سازمان یافته در اجرای بند «ح» ماده ۲ قانون اصلاح مواد از قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، مصوب ۱۳۷۳ است، می‌توان گفت که نفس تشکیل یک نهاد داوری مفید و مطلوب است، اما در این زمینه که لایحه مورد بحث در بردارنده ساختار کامل یک نهاد داوری است، می‌توان تردید کرد، زیرا آنچه اساس یک نهاد داوری سازمان یافته را تشکیل می‌دهد وجود مقرراتی است درخصوص نحوه جریان داوری و نظارت بر تشکیل دادگاه داوری، چگونگی معرفی و تعیین داور برای اصحاب دعوا، به خصوص در صورت عدم توافق طرفین در این زمینه یا استنکاف یکی از طرفین در تعیین داور اختصاصی، رسیدگی به صلاحیت و جرح داور و ... متأسفانه در لایحه اشاره‌ای به موارد یاد شده نگردیده و مرجعی که این وظایف را انجام دهد مشخص نشده

است. در هر حال، با توجه به بنیادی بودن این مسائل در داوری‌های سازمان یافته، آوردن آن‌ها در اساسنامه ضروری است و احاطه آن به آیین‌نامه اجرایی قابل توجیه نیست.

۲-۲- ارزیابی هدف دیگر لایحه که پاسخگویی به نیازها و مقتضیات خاص روابط حقوقی ناشی از تجارت داخلی و خارجی است. بستگی به عملکرد مرکز داوری در آینده و بعد از تصویب لایحه دارد. ولی مسلم است که نفیس تأسیس چنین مرکزی با هدف یاد شده سازگاری دارد، اما این که در مرحله عمل تا چه حد می‌تواند موجب رضایتمندی بازرگانان داخلی و خارجی گردد و به عنوان کانونی برای داوری‌های تجاری درآید. چیزی است که صرفاً با حسن اجرای لایحه بعد از تصویب مشخص می‌گردد.

۲-۳- دستیابی به هدف دیگر لایحه که در نظر گرفتن مصالح اقتصادی و تجاری کشور است. بستگی کامل به ایجاد تغییراتی در آن، تصویب آیین‌نامه اجرایی کارا و از میان برداشتن سایر موانع حقوقی و قوانین و مقررات دست و پاگیر دارد و مخصوصاً ایجاد اصلاحاتی در قانون داوری‌های تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶/۶/۲۶ ضروری است. از جمله ماده ۶ آن در جهت محدود کردن موارد دخالت دادگاه و افزایش اختیارات سازمان داوری؛ حذف قسمت اخیر بند یک ماده ۱۱ راجع به منع وحدت تابعیت داور یا داوران تعیین شده برای حل اختلافات آتی با طرف ایرانی و دادن آزادی کامل به طرفین در این خصوص؛ و اصلاح بند ۲ ماده ۲۷ و دادن اختیار تعیین قانون حاکم به داور و انطباق هر چه بیش‌تر سایر مواد قانون یاد شده با مقررات قانون نمونه آنستیرال؛ زیرا در غیر این صورت به دلیل فاصله گرفتن مقررات ایران از مقررات کشورهای دیگری که قانون نمونه آنستیرال را پذیرفته‌اند، رغبت کشورهای مزبور به همکاری و ایجاد رابطه متقابل با ایران در این زمینه و به ویژه در خصوص اجرای آرای داوری از بین می‌رود و در نتیجه نقض غرض می‌شود.

۳- هدایت به سمت اهداف کارآمدی لایحه

۳-۱- مواد ۱ تا ۳. در این مواد تأسیس یک نهاد داوری وابسته به اتاق بازرگانی اعلام گردیده و موضوع فعالیت و مرکز آن مشخص شده است. موضوع فعالیت تمام مؤسسات داوری، حل

و فصل اختلافات بازرگانی اعم از اختلافات قابل ارجاع و غیر قابل ارجاع به دادگاه (مانند دعوت به تکمیل یا تجدیدنظر در قرارداد. تفسیر یا اجرای قراردادها و منطبق ساختن آنها با اوضاع و احوال جدید) است. هر چند که ماده ۲، که متضمن موضوع فعالیت شرکت است، صریحاً این تفکیک را به عمل نیاورده، اما در عمل، با تفسیر موسع اختلاف می‌توان قائل به این امر شد که موضوع فعالیت «مرکز»، هم حل و فصل اختلافات قابل ارجاع و هم غیر قابل ارجاع به دادگاه است و این امر کاملاً با نیاز جامعه بازرگانی موافق است.

۳-۲- ماده ۴: این ماده دربردارنده ارکان مرکز داورى است: (۱) هیأت مدیره؛ (۲) دبیرکل؛ (۳) داوران. نظر به این که، هم در داورى‌های موردی و هم در داورى‌های سازمانی، داور یا هیأت داوران افراد ثابت و مشخصی نیستند، بلکه در هر دعوا فرد یا افراد خاصی توسط اصحاب دعوا و با تأیید سازمان داورى به عنوان داور انتخاب می‌شوند و پس از حل و فصل اختلاف هم وظیفه آنان به پایان می‌رسد، داور یا داوران را نمی‌توان جزء ارکان اصلی و ثابت یک مرکز داورى دانست. در عوض، بهتر است هیأتی برای نظارت بر فرایند داورى و انجام وظایف مندرج در بند ۲ ماده ۶ قانون داورى تجارى بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶/۶/۲۶ و نیز وظایف مندرج در ماده ۴۵۹ و ۴۶۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱) به ارکان ثابت «مرکز داورى» افزوده شود.

۳-۳- مواد ۵ و ۶: این مواد متضمن ترکیب هیأت مدیره و وظایف و اختیارات آنها است. در ماده ۵ اعضای هیأت مدیره همگی جزو دست‌اندرکاران اتاق بازرگانی و بازرگانان هستند و در آن صاحب‌نظران و متخصصان مسائل داورى حضور ندارند. شایسته است حداقل دو نفر از صاحب‌نظران مسائل داورى با معرفی رؤسای گروه حقوق خصوصی دانشکده‌های حقوقی یا به طریقی دیگر در هیأت مدیره عضویت داشته باشند. در ماده ۶ تهیه و پیشنهاد تعرفه‌های داورى برای تصویب به هیأت نمایندگان اتاق ایران از وظایف هیأت مدیره مستثنا گردیده است و مقرر شده که تعیین این تعرفه‌ها بر طبق قوانین و مقررات جاری کشور باشد، اما مشخص نشده کدام قوانین و مقررات؟ و آیا اصولاً مقرراتی در این زمینه وجود دارد؟ و اگر وجود ندارد این تعرفه‌ها چگونه باید تعیین شوند؟

۳-۴- ماده ۷: در این ماده اعلام شده که دبیرکل برای مدت ۳ سال توسط هیأت مدیره انتخاب

خواهد شد، اما ماده در خصوص بلامانع بودن یا نبودن انتخاب مجدد وی ساکت است. با توجه به اهمیت موضوع لازم است این امر در خود قانون مشخص گردد. به خصوص چون در تبصره ۱ ماده ۵ انتخاب مجدد اعضای هیأت مدیره بلامانع دانسته شده، مسکوت گذاشتن این مسأله در خصوص دبیرکل جایز نبودن انتخاب مجدد وی را به ذهن القا می‌کند.

۳-۵- ماده ۸: این ماده در خصوص تهیه فهرستی از داوران صلاحیت‌دار به پیشنهاد دبیرکل و تأیید هیأت مدیره است و تبصره آن نیز ممنوع بودن انتخاب هیأت مدیره و دبیرکل توسط «مرکز» به عنوان داور را اعلام می‌دارد. از نحوه نگارش این ماده چنین برمی‌آید که تعیین داور در اختیار مرکز داور است و طرفین دعوا ناچارند داور یا داوران تعیین شده توسط مرکز داور را بپذیرند؛ در حالی که اساسی‌ترین و بدیهی‌ترین اصل در زمینه داور است و حاکمیت اراده طرفین دعوا در زمینه انتخاب داور و اداره داور بر اساس توافق آن‌هاست و همین امر داور را از دادرسی دادگاه‌های دولتی متمایز می‌سازد. لذا باید به طرفین این اختیار داده شود تا داور یا داوران مورد نظر خویش را از لیست تنظیمی یا از افراد خارج از آن لیست انتخاب و معرفی کنند و این امر در خود لایحه ذکر شود. مزیت این ترتیب این است که چون طرفین خود داور را انتخاب کرده‌اند آرای داور در مرحله اجرا با مشکل کمتری مواجهه می‌شود و به خصوص در دعاوی تجاری بین‌المللی بهتر می‌تواند اعتماد طرفین را جلب کند. دخالت «مرکز» در تعیین داور صرفاً باید محدود به مواردی گردد که یکی از طرفین از تعیین داور استنکاف کند یا در صورت متعدد بودن داوران، محدود به انتخاب داور مشترک شود. در سایر موارد داور یا داوران را طرفین انتخاب می‌کنند و «مرکز داور» صرفاً آن را تأیید می‌کند.

۳-۶- مواد ۹ تا ۱۱: در این مواد چگونگی تأمین هزینه‌های مرکز، تکلیف ادارات و دستگاه‌های دولتی در پاسخ به استعلام‌های مرکز و مقررات عمومی و آیین رسیدگی داور در مرکز مشخص گردیده است. مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب (۱۳۷۹/۱/۲۱) در خصوص آیین رسیدگی به داورهای داخلی توسط یک نهاد داور کامل نیست و در بعضی از موارد باید تغییراتی در آن داده شود؛ مقررات مذکور در زمینه نحوه جرح داور یا داوران حکم خاص ندارد و در صورت عده توافق طرفین در زمینه

تعیین داور و استنکاف یکی از طرفین از این امر یا تعذر تعیین داور توسط شخص ثالث یا امتناع وی (مواد ۴۵۹ و ۴۶۰) تعیین داور را بر عهده دادگاه گذاشته شده‌اند، در حالی که در داورهای سازمانی این وظیفه باید بر عهده سازمان داور باشد؛ همچنین است نظارت بر صلاحیت داور یا داوران انتخابی.

۴- تبیین آثار اجرای لایحه

۴-۱- نظر به این که در زمینه تجارت داخلی و خارجی گرایش روزافزونی به حل و فصل اختلافات از طریق داور و به خصوص داور نهادی وجود دارد، این نهاد داور، به عنوان یک مرجع داور، می‌تواند بخش قابل توجهی از دعاوی تجاری داخلی و بین‌المللی را به خود اختصاص دهد و بدین سان از تعداد دعاوی تجاری مطرح شده در دادگستری بکاهد.

۴-۲- نظر به این که اوضاع و احوال خاص بعد از انقلاب اسلامی در ایران باعث ایجاد نوعی احساس عدم امنیت حقوقی در اذهان بازرگانان سایر کشورها در زمینه سرمایه گذاری در ایران و مبادلات بازرگانی گردیده است، وجود یک نهاد داور مستقل و کارا می‌تواند تا حد زیادی این نگرانی‌ها را رفع کند و در نتیجه باعث افزایش سرمایه گذاری خارجی و رونق مبادلات بازرگانی بین‌المللی در کشور گردد.

۴-۳- نظر به این که، به دلیل عدم وجود یک ارگان داور، قانون داور بین‌المللی (مصوب ۱۳۷۶/۶/۲۶) به نحو شایسته در سطح بین‌المللی معرفی نگردیده و به همین دلیل نیز مقررات مربوط به داور داخلی مندرج در مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب تا حد زیادی مورد بی‌توجهی قرار گرفته، تأسیس مرکز داور اتاق بازرگانی می‌تواند قانون اولی را به بازرگانان سایر کشورها معرفی کند و قانون اخیرالذکر را نیز از غربت نجات دهد.

۱-۵- از آن جا که براساس ماده ۱۰ لایحه، مقررات و آیین رسیدگی داورى در «مرکز» وفق قانون داورى تجارى بين الملى (مصوب ۱۳۷۶) و مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب است و برطبق بند ۲ ماده ۶ قانون داورى تجارى بين الملى، در داورى‌های سازمانى انجام وظايف مندرج در بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۱ (تعيين داور صرف ممتنع یا سر داور و تعيين داور در صورت عدم توافق طرفین در مورد انتخاب داور واحد)، بند ۳ ماده ۱۳ (رسیدگی به تقاضای جرح داور توسط یکی از طرفین) و بند ۱ ماده ۱۴ (رسیدگی به اختلاف طرفین در خصوص قصور داور یا عدم امکان انجام وظیفه توسط وی بر عهده سازمان داورى مربوط است و در داورى‌های داخلی نیز این وظايف (موضوع مواد ۴۵۹ و ۴۶۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب) در داورى‌های سازمانى باید بر عهده نهاد داورى باشد، در لایحه مشخص نشده که انجام این وظايف و نیز رسیدگی به صلاحیت داور بر عهده چه کسی است. لذا ضرورى است هیأت نظارت یا مقام ناظرى برای انجام وظايف فوق‌الذکر به ارکان «مرکز» افزوده شود، یا در هر صورت مشخص شود که این وظايف را، که به خصوص در داورى‌های تجارى بين الملى بسیار اهمیت دارد، چه کسی باید انجام دهد.

۲-۵- نظر به این که، هم در داورى‌های موردی و هم در داورى‌های سازمانى، داور یا داوران افراد مشخصى نیستند، بلکه در هر دعوای خاص، فرد یا افرادی توسط طرفین دعوا و تأیید نهاد داورى به عنوان داور انتخاب می‌شوند، برشمردن داوران جزو ارکان داورى در ماده ۴ لایحه خالی از اشکال نیست و لازم است حذف گردد.

۳-۵- با توجه به این که در ماده ۵، هیأت مدیره مرکب از اعضای اتاق بازرگانى و بازرگانان است و در آن صاحب‌نظران داورى حضور ندارند، بهتر است حداقل دو نفر از متخصصان مسائل داورى با معرفى رؤسای گروه حقوق خصوصى دانشکده‌های حقوق یا به طریق دیگر در هیأت مدیره عضویت داشته باشند.

۴-۵- در ماده ۶ تهیه و پیشنهاد تعرفه‌های داورى از وظايف و اختیارات هیأت مدیره مستثنا

گردیده است و به قوانین و مقررات جاری کشور احاله داده شده، در حالی که معلوم نشده کدام قوانین و مقررات؟ اگر چنین قوانین و مقرراتی وجود دارد لازم است مشخص گردد و در غیر این صورت این امر نیز جزو وظایف هیأت مدیره قلمداد گردد.

۵-۵- در ماده ۷ بلامانع بودن یا نبودن انتخاب مجدد دبیرکل مسکوت گذاشته شده که لازم است مشخص گردد.

۵-۶- برای احترام به اصل حاکمیت اراده طرفین که اساس داورى است، تبصره‌ای به ماده ۸ افزوده شود و در آن قید گردد که طرفین مختارند داور یا داوران خود را از لیست تصویب شده توسط هیأت مدیره یا خارج از آن انتخاب کنند و مرکز صرفاً داور یا داوران انتخابی توسط طرفین را تأیید کند.

۵-۷- از آنجا که قانون داورى تجارى بين المللى مصوب ۱۳۷۶ و مقررات آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱) به عنوان مقررات قابل اعمال در دادرسی «مرکز» تعیین گردیده‌اند، برای عملکرد بهتر «مرکز» و پذیرش بین‌المللی و داخلی آن لازم است تغییراتی در آن‌ها داده شود: قانون داورى تجارى بين المللى هر چه بیش‌تر با قانون نمونه آنستیرال منطبق گردد تا در سطح بین‌المللی بیش‌تر مقبول افتد؛ و وظایف مندرج در مواد ۴۵۹ و ۴۶۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب که بر عهده دادگاه است در داورى‌های سازمانی بر عهده نهاد داورى گذاشته شود و همچنین است رسیدگی به صلاحیت و جرح داور یا داوران.